



<http://www.arianafghanistan.com>



2017/05/14



سیدهاشم سدید

افشای رسوائی اتحاد چند انسان بی پرستی!

بخش سوم (قسمت ۱)

به من بگو برای چه شخصی احترام فائلی، تا بدانم چه گونه انسانی هستی، چه این به من نشان میدهد که چه تصویری در باره انسانیت داری و خود نشان آن هستی که چگونه انسانی بشوی. "توماس کارلایل"

در قسمت اول این مقاله بیشتر روی مطالبی تمرکز صورت گرفت، که کلاً مطالب منتشره در خود مقاله "هاشم سدید منتر شده دیو طلسم ایران..." نبودند. در این قسمت، اما به شکل مختص به مطالبی که در خود مقاله ای یاد شده درج است و واقعاً ضروری پنداشته شده اند، به قدر ضرورت پرداخته می شود:

1- اگر از چند انسان صاحب نظر و اندیشمند سؤال شود، که بهترین و آسان ترین راه برای شناخت مجموع افکار و عواطف و ویژگی های مختص یک انسان چیست؟ یکی از آن میان، که صاحب مطالعه و تجربه زیاد در زندگی باشد و شناخت دقیق تر از انسان ها دارد، بدون تردید به آنچه «توماس کارلایل» فیلسوف، نویسنده، ریاضی دان، تاریخ نگار و زبان شناس اسکاتلندی گفته بود اشاره خواهد کرد و خواهد گفت:

«برای شناخت بهتر انسان ها بهترین کار این است، که به دوستان شان نگاه کنید. هیچ انسانی با کسانی که گفتار و رفتار، خلق و خوی، عادت و خصلت و پسند و ناپسند شان مورد تأیید و طرف علاقه اش نباشد، همساز و همراز و همواز نمی شود.

➤ اگر دوستان کسی مرتجع باشند، آن فرد خواهی نخواهی مرتجع است.

➤ اگر با انقلابیون همراه و همگام شود و نشست و برخاست کند، یک انقلابی است.

➤ اگر به هنرمندان نشست و برخاست دارد، به هنر علاقه و دلچسپی دارد یا خود هنرمند است.

➤ و... رفیق دزد و آدم ربا، به ندرت اتفاق می افتد، که دزد و آدم ربا نباشد!

مسعود فارانی با که سروکار دارد؟ با هاشمیان! و هاشمیان با چگونه انسان هائی سروکار دارد؟

➤ با طالب، که هم نوسنیز است و هم واپسگرا.

➤ با طالب، که بدون تفکیک، و با تعبیری که خود از دین و قرآن دارد بی گناه و با گناه را در جاده و بازار و مندوی و پارک و مسجد و شفاخانه و محفل عروسی و هر جایی دیگر، جا هائی که طفل و زن و بیمار و سالخورده و حامل و تبنگ فروش و مزدورکار و هوتلی و قصاب و نرس و داکتر و معلم و متعلم و ده ها انسان دیگر، بی خبر از هر چیز، حین خرید، در درون سرویس، در راه مکتب، سر قبرستان، در درون شفاخانه و در اثنای نماز و عبادت و... با انتحار صد ها انسان را به فجیع ترین شکل به قتل می رساند و مجروح و معیوب می کند.

➤ طالبی که یکی - دو ما قبل به یک شفاخانه حمله کرد و چندین داکتر و نرس را با ده ها انسان مریض کشت و دو سه هفته قبل، مانند صلیبیان، که در مسجد اقصی از کشته پشته ساختند، به مسجد، جای عبادت، خانه خدا و یکی از مقدس ترین اماکن برای مسلمانان حمله کرد و صد ها مسلمان در حال نماز را کشت و زخمی نمود.

مسعود فارانی به من نسبت "در راه مانده" را می دهد. به او باید گفت: ای بدبخت مفلوک بی چاره! پرده از روی عقلت بردار و چشمانت را باز کن! در راه مانده ها معمولاً کسانی هستند، که با صاحبان اندیشه های ارتجاعی و فرسوده انس دارند و با آن ها رفیق، مصاحب و معاشرند؛ و موافقت و موافقت با آدم کشان قرون وسطائی دارند. کسانی که علاقمند تحول و تغییر هستند و با گردش روزگار قدم به قدم پیش می روند، پیوسته در حرکت هستند و با هرچه مرتجع و فرسوده مغز و جابر و ستمگر و مکتبر و متفرعن و جنایت کار است، مخالف و ناموافق می باشند، نمی توانند در راه مانده باشند؛ زیرا سکون و درجاذگی و مطلق گرایی امری است خلاف قوانین دینامیزم، یعنی پویایی و حرکت!

عکس این انسان ها، کسانی هستند، که ضد تحول و دگرگونی، خواه سیاسی باشد خواه اجتماعی و فرهنگی می باشند. شاخص درجا ماندگان، اعتقاد و دلبستگی به باور های کهنه و تاریخ زده است، نه باور های نو به نو و تازه به تازه، که حاصل تجربه و علم و عقل پویانده و رونده بشر می باشد!

کسانی که به پشتیبانی فیلسوفان و دانشمندان و خردمندان و فرهیختگان بر می خیزند و آن ها را بر دین باوران و فقیان ناپارسا و خودپسند و جبار و قهار و جنگ طلب و قاتل و خونریز ارجحیت می دهند، در راه ماندگان نیستند. در راه ماندگان کسانی اند، که دل به پیر و مراد و سید و ملا و تعویذ و دم و دعا و جن و پری می بندند، مانع درس و تعلیم و رشد ترقی و آزادی دیگران می شوند و در تلاش اند تا جامعه را به سبک مردمان بدوی و دشت و بیابان آورده اداره کنند و "هان" شان هان باشد و "نی" شان نی و انسان ها را با چوب و دره و کیبل، اگر نشد با سلاح و از راه سوزاندن، گردن زدن و به دار آویختن به راهی که خود صحیح می دانند و می خواهند هدایت کنند.

طالب موجودی نیست، که به معرفی احتیاج داشته باشد. جنایات طالب یکی و دو تا نیست، که توضیح گردد. به گزارشی از "انجمن حقوق دانان افغان در اروپا"، که گوشه ای از جنایات جنگی و ضد بشری طالب را به نمایش می گذارد توجه کنید:

«در روز های اخیر بالاثر تشدید جنگ اعلام نشده و دسایس پاکستان و سقوط حاکمیت دولتی در کندز صفحه خونین دیگری در تراژیدی خونبار افغانستان گشوده شد. فاجعه حقوق بشر که در کندز بوقوع پیوسته و دوام دارد شامل اشکال مختلف جنایات هولناکی است که مصیبت ملی را بوجود آورده است و یکبار دیگر چهره کثیف، ضد انسانی و ضد اسلامی شرارت پیشه گان بین المللی اعم از داعش و طالب را به جهانیان برملا ساخت که خشن ترین قاتلان انسان و انسانیت میباشند و آنها میخواهند که افغانستان را به عصر حجر سوق نمایند.

فهرست جنایات انجام یافته در کندز در کنگوری جنایات جنگی و ضد بشری ردیف بندی میگردد که شامل: قتل و کشتار اهالی ملکی، قتل های سیاسی، قتل اسیران، تعرض بر ناموس و هتک حرمت مردم، چور و چپاول دارایی های عامه و تخریب اماکن دولتی و شخصی و... می شوند...

مجموع جنایات یاد شده بر طبق قوانین و موازین بین المللی در ردیف جنایات ضد بشری جنگی تعریف و مشخص میگردند. این جرایم در کنوانسیونهای چهارگانه ژینو (12 اگست 1949) مسجل گردیده که بر طبق آن: "جنایات جنگی شامل موارد نقض حقوق بشر دوستانه در منازعات و درگیری های جنگی میشوند و جنایات ضد بشریت، اعمال قساوت بر ضد انسانها، موارد شکنجه، کشتار گروهی، کشتار های سیاسی و تعرض بر سلامت جسمی و اخلاقی انسانان ...، را احتوا مینماید.»

همین یک گزارش، که تنها یک بخش آن نقل شد، چهره کثیف و ضد انسانی طالب را که نه به اسرای جنگی ترحم می کند، نه به زن و طفل و پیر و جوان و جور و ناجور و نظامی و غیر نظامی و هر کسی را که دم دستش آمد بیش‌رمانه بی حیثیت و بی آبرو می سازد و ددمنشانه به قتل می رساند، شفاخانه ها را مورد حمله قرار می دهد، ساختمان ها، حتا خانه های شخصی مردم را به آتش می کشد و تخریب می کند، دارائی های مردم و اموال دولتی را به یغما می برد، دست به شکنجه و آزار و اذیت می زند، به ناموس و شرف مردم تعرض می کند، قرآن و سائر کتب دینی را می سوزاند، در و دیوار و زمین و سقف مساجد را با خون مسلمانان آلوده می سازد و... به مثابه مشت نمونه خروار، نشان می دهد.

دوران امارت طالب که مامورین امر به معروف و نهی از منکر طالبی با کیبل های فولادی بر روی دیوار های دریای کابل می نشستند و مردم را زیر نظر می گرفتند، که چه می خوردند و چه می نوشند، چه می پوشند، چگونه راه می روند، چگونه حرف می زنند، ریش و موی سر شان چقدر دراز یا کوتاه است، بلندی صدای کفش زن ها چقدر است، روی و موی شان تا کجا پوشیده است و آرایش سر و روی شان چگونه است و... دف و کف و سرود و خوشی و خنده را در عروسی ها ممنوع کردند، کست های ویدیو را از بین بردند، تلویزیون را به دار کشیدند، میدان های ورزشی را به کشتارگاه ها تبدیل نمودند، هر چه آثار تاریخی بود، یا خراب کردند و یا به پاکستان انتقال دادند، افغانستان را لانه تروریست ها ساختند، دروازه های مکاتب را بستند، دانشگاه ها را به مدرسه های دینی تبدیل نمودند، دختران، حتا زنان شوهر دار مردم را به زور به شوهر دادند، کشور را به پنجمین ایالت پاکستان تبدیل کردند و اداره آن را به دست پاکستانی ها سپردند و... دوران طالب، بی گمان به مراتب بدتر از دوران امارت حبیب الله کلکانی بود.

رهبر این باند جنایت پیشه و وطن فروش، ملا محمد عمر رفیق رفیق زور و همدم و همفکر مسعود فارانی، یعنی هاشمیان است⁽¹⁾، که شخصاً برای اظهار ارادت و دست بوسی این آدم جنایتکار متحمل سفر شاق از امریکا به کابل و از کابل به قندهار شد، همان طور که در زمان خلق - پرچم از غرب بر میخیزد و به افغانستان میرود، تا اگر ممکن افتد به جاه و مقام برسد، ولی چون کسی مطابق آنچه او میخواست تحویلش نگرفت، دست از پا دراز تر افغانستان را ترک میکند و دوباره به غرب میرود! این است واقعیت فکری مسعود فارانی، کسی که باوجود آگاهی از همه تاریخ طالب و همه تاریخچه زندگی هاشمیان و رفقای همفکر و همکیش وی تن به دوستی آن ها داده است.

کسانی که برای امیران خودکامه و مستبد و فرمانروایان مطلق العنان فرسوده فکر کهنه اندیش کف می زنند و در تأیید آن ها از سر و مال و جان و ناموس خویش تیر هستند و سر در محراب آن ها نهاده اند؛ آنهم در جهانی که مردم بیشتر از این در قید و بند جاهلان رنگارنگ نیستند و می خواهند مطابق فکر و میل خود آزاد زندگی کنند و به پیش بتازند، اگر دقیق شویم باید کسانی باشند که راه گم نموده اند، نه کسانی که در ضدیت با این گونه انسان ها قرار دارند.

پایان بخش سوم (قسمت ۱)

ادامه دارد

بخش های اول و دوم را با کلیک بر لینک های ذیل مطالعه می توانید:

بخش اول

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sadid_SH/s_hachem_efshaaye_raswaii_tshand_ensaan_behossul.pdf

بخش دوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sadid_SH/s_hachem_efshaaye_raswaii_tshand_ensaan_bay_pransip_02.pdf

1- برای نقل واقعات تاریخی اجازه داریم وقایع گذشته را به زمان حال بیان کنیم.